

ویژگی‌های کارآفرینانه مؤسسان زن و مرد (مطالعه موردی: دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران)

داوود قرونه^۱، حسین عابدی^۲، آرزو احمدآبادی^{۳*}

چکیده

کارآفرینی محور توسعه اقتصادی است و کارآفرینان با تخریب روش‌های کهن و ناکارآمد قبلی و جایگزینی آن‌ها با شیوه‌های کارآمد و نوین به نظام اقتصادی پویایی و حیات می‌بخشند. از عواملی که در کارآفرینی دخیل‌اند، مسئله جنسیت است و میزان موفقیتی که هر جنس در کسب‌وکار خود به دست خواهد آورد، به‌طور خاص به ویژگی‌های آن‌ها برمی‌گردد. از این‌رو، هدف این پژوهش بررسی ویژگی‌های کارآفرینانه مؤسسان زن و مرد دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران است. روش پژوهش توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری شامل مؤسسان زن و مرد دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران است (۵۰۷ نفر) که از بین آن‌ها تعداد ۲۱۳ نفر (۹۰ زن و ۱۲۳ مرد) به‌منزله نمونه آماری به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته (با ضریب قابلیت اعتماد ۰/۸۲) استفاده شده است که دو گروه از ویژگی‌های شخصیتی و شناختی-مهارتی کارآفرینان را می‌سنجد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های کارآفرینانه مؤسسان زن و مرد دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد. بین ویژگی‌های کارآفرینانه در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری وجود ندارد. ویژگی شخصیتی تحمل ابهام در زنان کارآفرین و استقلال‌طلبی در مردان کارآفرین در سطح نامطلوبی ارزیابی شده است. همچنین، بین ویژگی‌های شخصیتی زنان و مردان مؤسس مراکز آموزشی، به‌جز ویژگی‌های استقلال‌طلبی و تحمل ابهام، تفاوت معناداری وجود ندارد. بین ویژگی‌های شناختی-مهارتی زنان و مردان نیز تفاوت معناداری وجود ندارد و در هر دو گروه در سطح نسبتاً مطلوبی ارزیابی شده است.

کلیدواژگان

جنسیت، زنان، مدارس غیردولتی، مردان، ویژگی‌های کارآفرینانه.

ghroneh@ut.ac.ir
hoseinabedi56@yahoo.com
ahmadiarezoo10@gmail.com

۱. عضو هیئت‌علمی دانشگاه فردوسی مشهد
۲. عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان
۳. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی تهران
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۶/۳

مقدمه

جهانی که در آن زندگی می‌کنیم از سویی به عصر ارتباطات و از سوی دیگر به دهه‌های طلایی کارآفرینی شهرت یافته است [۱۷، ص ۹]. کارشناسان حدود ۷۰ درصد از رشد اقتصادی را به فعالیت‌های کارآفرینی نسبت می‌دهند [۲۲]. از طرف دیگر، نیاز امروز سازمان‌ها مدیریت کارآفرینانه است. بعد از آنکه آشکار شد که موفقیت رهبران کارآمد صرفاً نتیجه خصوصیات ارثی نیست، بلکه آن‌ها بسیاری از این خصوصیات را در نتیجه فعالیت‌های شخصی و تجربه‌های خود کسب می‌کنند، پژوهش‌گران تلاش کردند به بررسی و شناخت ویژگی‌های رهبران موفق بپردازند. رویکرد رفتاری که از اوایل دهه ۱۹۶۰ رایج شد، به فعالیت کارآفرین، دلایل و چگونگی تشکیل کسب‌وکار یا شرکتی نوپا یا فرایندی که طی آن شرکت‌های جدید پا به عرصه وجود می‌گذارند، توجه می‌کند [۱، ص ۱۰۳].

کارآفرینی در جهان امروز به سرعت در حال پیشرفت است و در این بین کارآفرینی زنان موضوع پرالتهاب کشورهاست. بنیاد کارآفرینی کافمن^۱ در گزارشی که در سال ۲۰۰۳ منتشر کرد، تأکید می‌کند که کارآفرینی زنان نقش برجسته‌ای در سلامت اقتصاد ملت‌ها دارد [۱۵]. همچنین، براساس این گزارش، یکی از مسائلی که نتیجه مطالعات متعدد در کشورهای مختلف است، پایین بودن نرخ کارآفرینی زنان در مقایسه با مردان است. ساختارهای زندگی اجتماعی، محیط کار و خانواده در دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی و عملکرد آنان مؤثر است. همچنین، تبعیض شغل و انتظارات درباره نقش‌های خانواده می‌تواند حضور زنان را در محیط‌های صنعتی محدود کند. به علاوه، بر انگیزه‌های زنان، اهداف آن‌ها و ریسک‌های مالی و تجاری آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد. در داخل کشور، گرچه آمار دقیقی از کارآفرینی زنان در دست نیست، مبرهن است که زنان هنوز نتوانسته‌اند سهم شایسته‌ای در اقتصاد ملی به دست آورند [۳].

پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه مقایسه ویژگی‌های کارآفرینانه زنان و مردان به نتایج متفاوتی رسیده است. پژوهش هزارجریبی و ابراهیمی [۱۳۸۹] نشان داد که بین خلاقیت، نوآوری، گرایش به رفاه اقتصادی و ریسک‌پذیری بین زنان و مردان تفاوت معناداری وجود دارد. پژوهش آراستی، کنعانی و سید قاسمی [۱۳۹۲] نیز نشان داد که بین انگیزه زنان و مردان از کارآفرینی، به‌ویژه در اثبات شایستگی‌ها و کسب درآمد، تفاوت وجود دارد. همچنین، نتایج پژوهش محمدی، احمدی و شایان‌جهرمی [۱۳۹۰] نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی زنان با تمایل آن‌ها به کارآفرینی رابطه وجود دارد.

در محیط نظام آموزشی، به‌رغم اهمیت موضوع کارآفرینی و نیاز سازمان‌های آموزشی به داشتن نیروی انسانی ماهر، با کمبود پژوهش، به‌ویژه در مورد زنان کارآفرین در حوزه آموزش و

پرورش، مواجهیم. از این رو، پژوهش حاضر درصدد است که دو گروه از ویژگی‌های شخصی و شناختی-مهارتی را در زنان و مردان مؤسس دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران بررسی کند و سپس به تطبیق این ویژگی‌ها بین زنان و مردان مؤسس آموزشی بپردازد.

مروری بر ادبیات موضوع

اکنون، در عرصه جهانی، افراد خلاق، نوآور و مبتکر، به‌منزله کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه‌های تولیدی و خدماتی شده‌اند. در دنیای در حال تحول امروز، جامعه و سازمانی می‌تواند در مسیر توسعه گام بردارد که با ایجاد بسترهای لازم، منابع انسانی خود را به دانش و مهارت کارآفرینی مولد تجهیز کند تا آن‌ها با استفاده از این توانمندی ارزشمند، سایر منابع کمیاب را به سوی ایجاد ارزش و حصول رشد و توسعه، مدیریت و هدایت کنند.

اما کارآفرینی را باید فراتر از یک حرفه یا راهبرد اقتصادی و به‌منزله شیوه تعامل اجتماعی و رویکرد فرهنگی تلقی کرد. کارآفرینی برای رشد و نمو به فرهنگ خاصی نیاز دارد و کارآفرینان فرهنگ ویژه‌ای را ترویج می‌کنند [۸]. باید توجه داشت که کارآفرینان فقط به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نمی‌پردازند، بلکه با ساختار، تفکر، تحرک و فرهنگ لازم، دست به تخریب خلاق^۱ می‌زنند [۱، ص ۵۳] تا از دل ویرانه‌های کهن، بنای رفیع آبادانی و پیشرفت را برافرازند. همچنین، با توجه به تغییرات گسترده‌ای که در نقش و جایگاه زنان و مردان صورت می‌گیرد، جهان پیش رو را به گونه‌ای می‌سازد که نه تنها در انحصار محض مردان نیست، بلکه زنان نیز جایگاهی مطلوب و درخور در آن دارند؛ جهانی که دیگر از سخن گفتن درباره تفاوت بین زن و مرد خبری نیست. پس شایسته است تا زنان همگام با مردان در توسعه کشور گام بردارند [۷].

در شرایط فرهنگی خاص جامعه ما، نظام آموزشی و به‌ویژه آموزش و پرورش-نسبت به سایر فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی- فضای مناسب‌تری برای توسعه کارآفرینی زنان است. اما کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش بروکراتیک ایران شرایط و موانع خاص خود را نیز دارد. طی چند دهه اخیر، علاقه خانواده‌ها به یافتن مدارس مناسب برای تحصیل فرزندانشان افزایش یافته است. با این حال، به دلیل نبود بازار مناسب برای کارآفرینان آموزشی، اغلب کارآفرینان چندان تمایلی برای ورود به بخش آموزش ندارند. این بی‌علاقگی کارآفرینان از عوامل زیادی سرچشمه می‌گیرد که به نظر می‌رسد وجود ریسک بالا در این کار از مهم‌ترین آن‌هاست. علاوه بر این، وجود موانع ساختاری و اداری، و به‌ویژه موانع فرهنگی، از دیگر چالش‌های کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش و به‌ویژه کارآفرینی زنان در این حوزه است.

با وجود همه این چالش‌ها، نمی‌توان از منافع کارآفرینی زنان، به‌ویژه در بخش آموزش، صرف‌نظر کرد. موفقیت زنان کارآفرین در جوامع نه تنها سبب منافع اقتصادی می‌شود، بلکه

۱. destruction creative: این تعبیر از ژوزف شومپتر (Schumpeter) است.

منافع اجتماعی و فرهنگی هم ایجاد می‌کند [۱۸]. تحقیقات بسیاری در دو دهه گذشته به بررسی مقایسه‌ای زنان و مردان کارآفرین پرداخته‌اند و همچنین بعضی از محققان به بررسی مقایسه‌ای زنان کارمند و زنان کارآفرین پرداخته‌اند [۱۱، ص ۳۰].

از دلایل اصلی برای انجام دادن کارآفرینی که برای مردان و زنان ذکر می‌شود، این است که زنان به دلیل انعطاف پذیر بودن و داشتن استقلال بیشتر برای انجام دادن وظایف شغلی و خانوادگی خود، به این کار رو می‌آورند؛ در حالی که مردان، رسیدن به منفعت اقتصادی بیشتر را از دلایل خود ذکر می‌کنند [۲۴].

زنان کارآفرین، در مقایسه با مردان کارآفرین، تمایل بیشتری به گذراندن وقت با خانواده‌شان دارند. زنان همچنین برای حل کشمکش‌های خانوادگی حاضرند از فرصت‌ها و زمان‌های شغلی خود بکاهند [۲۳]. بودن (۱۹۹۶) عنوان می‌کند که زنان صاحب فرزند و کارآفرین در مقایسه با دیگران زمان کمتری به کار اختصاص می‌دهند. نتیجه بررسی‌ای در زمینه انعطاف پذیری برنامه کاری نشان می‌دهد زنان و مردان کارآفرین، در مقایسه با کارمندان، انعطاف، آسودگی و تعادل کاری و تعهد خانوادگی بیشتری را در برنامه کاری خود دارند [۲۰].

اگرچه خوداشتغالی باعث به وجود آمدن استقلال کاری و انعطاف پذیری می‌شود، شواهد نشان می‌دهد زنانی که انعطاف شغلی زیادی دارند تمایل دارند دائماً وظایف خانوادگی و شغلی خود را در زندگی روزانه باهم ترکیب کنند [۲۳]. براس^۱ (۲۰۰۵) معتقد است که علاوه بر دلایل متفاوت زنان و مردان از شروع به کارآفرینی، رویکرد زنان و مردان در تجارت نیز باهم متفاوت است. زنان کارآفرین گرایش دارند که موفقیت‌های شغلی خود را به شیوه‌های چندگانه تعریف کنند؛ مثلاً شاخص‌های مهم موفقیت‌های شغلی برای زنان می‌تواند شامل این موارد باشد: داشتن موفقیت‌های مالی، احترام، رضایت- به‌رغم داشتن درآمد کمتر نسبت به مردان- و تعادل برقرار کردن بین زندگی خانوادگی و شغلی [۲۰]. اگرچه این امکان وجود دارد که هر دو بعد مالی و شخصی در موفقیت زنان مهم باشند، معیارهای درونی و شخصی همچون خودشکوفایی و موفقیت در هدف‌ها به نسبت زیادی از عوامل بیرونی همچون منفعت‌ها و عملکرد (بازده) تجاری برای زنان مهم‌تر است [۲۵].

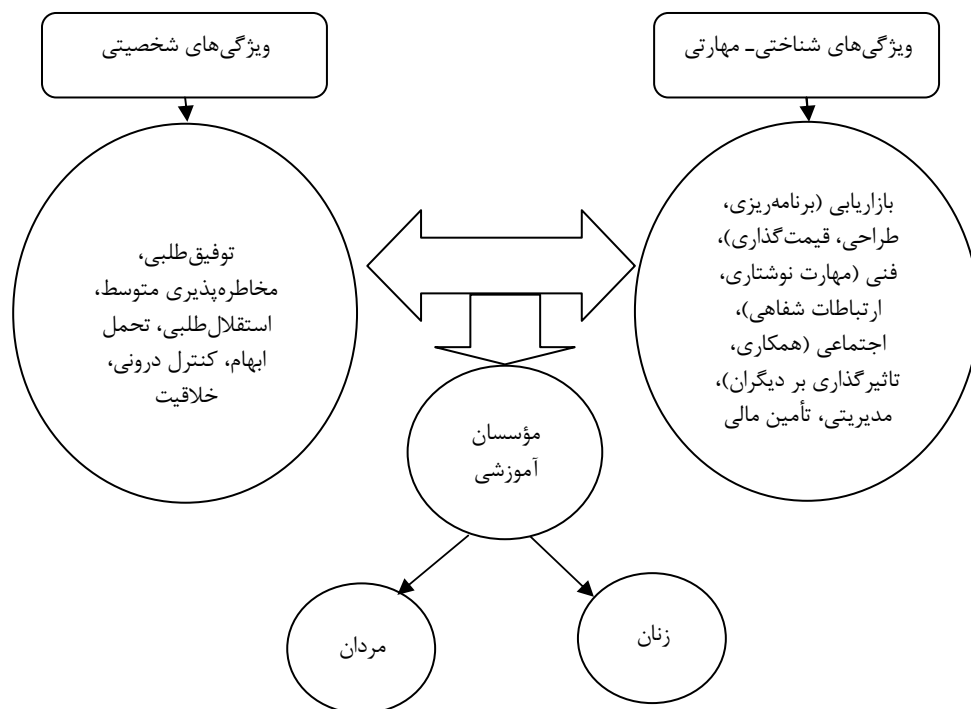
تحقیق بر ویژگی‌های زنان کارآفرین نشان می‌دهد که زنان کارآفرین در مقایسه با زنان حقوق‌بگیر، به داشتن سابقه شغلی و سطح آموزش بیشتر و همچنین تشکیل و حفظ خانواده گرایش بیشتری دارند [۱۲]. مطالعات همچنین اشاره می‌کنند که زنان کارآفرین به داشتن مالکیت مشاغل کوچک‌تر، مشاغل خدماتی و خرده‌فروشی، با تعداد کمتری کارمند گرایش دارند. همچنین زنان تجربه شغلی کمتری در زمینه فعالیت‌های تجاری نسبت به مردان کارآفرین دارند [۱۱].

لینق (۲۰۱۳) در تحقیقاتش دریافت یکی از ویژگی‌های شخصیتی که بین مؤسسان آموزشی به‌وضوح دیده می‌شود، ریسک‌پذیری و کنترل درونی است. این ویژگی‌ها در مقایسه با دیگر مدیران و مؤسسان، در بین مؤسسان آموزشی بیشتر به چشم می‌خورد (به دلیل اینکه مؤسس آموزشی بیشتر از دیگر کارآفرینان باید احتمال بازنگشتن سرمایه را بدهد). مؤسسان آموزشی اجباری برای تأسیس مدارس به طریق ساختار سنتی ندارند که این موضوع موجب ایجاد فرصت‌هایی برای مؤسسان آموزشی شده است. به نظر فالکون و اوسبورن (۲۰۱۱)، نخستین چیزی که در این مورد به ذهن مؤسسان آموزشی می‌رسد، خلاقیت و نوآوری است؛ به طوری که به نظر مؤسسان آموزشی مدرسه‌ای که آن‌ها تأسیس می‌کنند باید نخستین و بهترین منابع و تجهیزات را داشته باشد که بتواند الگوی مدارس دیگر نیز باشد. طبق بررسی‌های انجام‌شده از سوی لینق (۲۰۱۳)، مؤسسان آموزشی در مقابل مدیران مدارس عمومی امتیازهایی همچون استقلال داخلی و تمرکززدایی و همچنین طرح‌های انگیزشی بیشتری نسبت به مدیران مدارس عمومی دارند. یکی از موضوعاتی که اکثراً در مدارس عمومی به چشم نمی‌خورد، ریسک‌پذیری مدیران آن است. ولی داشتن ریسک‌پذیری مؤسسان مدارس غیردولتی یکی از ملزومات اساسی آن در مقایسه با انواع دیگر مدارس است.

روانشناس معروف، مارتین سلیگمن^۱ دریافت که افراد خاصی یادگیری خوش‌بینانه را رشد داده‌اند. اینکه آن‌ها باور دارند موفقیت‌هایشان در نتیجه سخت‌کوشی خودشان است درحالی‌که شکست‌ها به‌منزله موانع موقتی و بیرونی است که نیاز دارند بر آن‌ها غلبه کنند. این ویژگی اغلب به‌منزله منبع کنترل درونی^۲ بیان می‌شود. این ویژگی‌ها به مؤسسان آموزشی اجازه می‌دهد با عوامل ذاتی شکست در ایجاد سازمانی جدید با تمرکز روی احتمال موفقیت و غلبه بر همه موانعی که سر راه قرار دارد، روبه‌رو شوند [۲۵].

در تحقیقات محققانی همچون هس و هاسل (۲۰۰۹)، آیلا و اینبار (۲۰۰۸)، اسمیت و پترسون (۲۰۱۴) و لوین (۲۰۰۹) نیز ویژگی‌های مؤسسان آموزشی مطالعه شده است. به‌طور کلی، می‌توان ویژگی‌های کارآفرینان آموزشی را به ویژگی‌های شخصیتی و شناختی-مهارتی تقسیم کرد. هرچند ماهیت این ویژگی‌ها بین کارآفرینان در حوزه‌های مختلف مشترک است، میزان اهمیت آن ممکن است در کسب‌وکارهای مختلف متفاوت باشد. بنابراین، این پژوهش دو دسته ویژگی‌های شخصیتی و شناختی-مهارتی را بین زنان و مردان مطالعه می‌کند. هریک از این ویژگی‌ها چند مؤلفه دارند و همین مؤلفه‌ها گویه‌های ابزار تحقیق را شکل می‌دهند. تصویر ۱ چارچوب مفهومی پژوهش را نشان می‌دهد.

1. Martin Seligman
2. internal locus of control



تصویر ۱. ویژگی‌های کارآفرینانه مؤسسه مراکز آموزشی

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از لحاظ نحوه گردآوری داده‌ها پژوهشی توصیفی-پیمایشی به حساب می‌آید. جامعه آماری پژوهش شامل همه مؤسسان دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ است که براساس اطلاعات کسب‌شده از اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، تعداد کل آن‌ها ۵۰۷ نفر (شامل ۲۰۸ زن و ۲۹۹ مرد) برآورد شده است.

$$n = \frac{Nt^2P(1-P)}{Nd^2 + t^2P(1-P)} \quad (1)$$

جهت تعیین حجم نمونه از رابطه ۱ استفاده شد که در آن، موارد ذیل در نظر است [۴]:
حجم جامعه ($N=507$)، سطح اطمینان ۹۵ درصد ($t=1/96$)، اشتباه مجاز یا فاصله اطمینان ($d=0/05$)، برآورد نسبت صفت متغیر (P) و عدم برآورد نسبت صفت متغیر ($1-P$). چنانچه

مقدار p در دسترس نباشد، می‌توان آن را مساوی $0/5$ اختیار کرد. در این حالت، مقدار واریانس به حداکثر خود می‌رسد [۵]. با توجه به اطلاعات در دسترس، حجم نمونه براساس رابطه ۱ برابر با ۲۱۸ نفر محاسبه شد که برای دستیابی به این تعداد نمونه، مناطق آموزشی پنج‌گانه ۲، ۳، ۷، ۱۲ و ۱۴ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شد. تعداد کل مؤسسان مدارس غیردولتی در این مناطق ۲۱۳ نفر است. جدول ۱ پراکندگی این نمونه آماری را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نمونه آماری پژوهش

منطقه آموزشی منتخب	دبیرستان پسرانه غیردولتی	دبیرستان دخترانه غیردولتی
منطقه ۲	۴۱	۳۵
منطقه ۳	۴۱	۳۳
منطقه ۷	۱۴	۳
منطقه ۱۲	۱۹	۱۵
منطقه ۱۴	۸	۴
جمع نمونه آماری	۱۲۳	۹۰
	۲۱۳ نفر	

برای گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده است. این ابزار ۳۳ پرسش دارد که ویژگی‌های کارآفرینانه مؤسسان مراکز آموزشی را می‌سنجد. ویژگی‌های کارآفرینانه به دو گروه عمده تقسیم شده‌اند که ویژگی‌های شخصیتی ۱۴ پرسش و ویژگی‌های شناختی-مهارتی ۱۹ پرسش را شامل می‌شود. به منظور ساخت ابزار از ادبیات پژوهش و نیز مصاحبه با صاحب‌نظران استفاده شده است. پس از چندین بار تجدید نظر و اصلاح، روایی نسخه نهایی ابزار پژوهش را صاحب‌نظران و استادان این حوزه تأیید کردند. برای محاسبه پایایی ابزار نیز از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن $0/82$ به دست آمد.

یافته‌های پژوهش

متغیرهای مطالعه شده در این پژوهش شامل دو گروه ویژگی‌های شخصیتی (توفیق‌طلبی، استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، خلاقیت، تحمل ابهام و کنترل درونی) و ویژگی‌های شناختی-مهارتی (فنی، تأمین مالی، بازاریابی، اجتماعی و مدیریتی) است که تحلیل‌های آماری بر مبنای آن‌ها انجام شده و از این طریق به سؤالات پژوهشی پاسخ داده می‌شود.

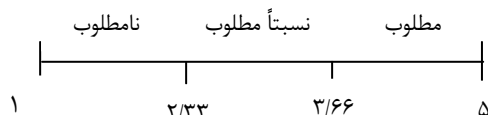
سؤال اول پژوهش: وضعیت ویژگی‌های شخصیتی زنان و مردان مؤسس دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران چگونه است؟

برای بررسی وضعیت ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی از آمار توصیفی و برای قضاوت در مورد سطح مطلوبیت متغیرهای پژوهشی و مؤلفه‌های آن از پیوستار سه‌درجه‌ای مطلوبیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب و مطلوب) استفاده شده است.

جدول ۲ میانگین، انحراف استاندارد و سطح مطلوبیت ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان و هریک از مؤلفه‌های آن را در میان مؤسسان زن و مرد دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ نشان می‌دهد.

جدول ۲. آمار توصیفی مربوط به میزان ویژگی‌های شخصیتی و سطح مطلوبیت آن‌ها در مؤسسان دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران

شاخص آماری متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	سطح مطلوبیت
ویژگی‌های شخصیتی	زن	۸۸	۳/۲۹	۰/۴۱۴	نسبتاً مطلوب
	مرد	۱۲۰	۳/۲۲۷	۰/۵۳۱	نسبتاً مطلوب
توفیق‌طلبی	زن	۹۰	۳/۸۹۲	۰/۴۲۵	مطلوب
	مرد	۱۲۳	۳/۸۶	۰/۸۱۴۳	مطلوب
استقلال‌طلبی	زن	۹۰	۲/۹۵	۰/۵۸۶۵	نسبتاً مطلوب
	مرد	۱۲۲	۲/۳۲۱	۰/۸۷۶۵	نامطلوب
ریسک‌پذیری	زن	۸۸	۳/۶۷	۰/۷۸۹	مطلوب
	مرد	۱۲۳	۳/۷۶۲	۰/۴۲۵	مطلوب
خلاقیت	زن	۸۹	۳/۱۳۲	۰/۵۰۲	نسبتاً مطلوب
	مرد	۱۲۲	۳/۰۸۲	۰/۶۸۴	نسبتاً مطلوب
تحمل ابهام	زن	۹۰	۲/۳۱۱	۰/۸۴۳	نا مطلوب
	مرد	۱۲۰	۲/۵۲۱۶	۰/۴۹	نسبتاً مطلوب
کنترل درونی	زن	۹۰	۳/۷۸	۰/۶۸۴	مطلوب
	مرد	۱۲۳	۳/۸۱۵	۰/۵۲	مطلوب



میانگین‌های به‌دست‌آمده نشان می‌دهد که در مجموع میانگین میزان ویژگی‌های شخصیتی در زنان کارآفرین ۳/۲۹ و در مردان کارآفرین ۳/۲۳ است که هر دو مقدار آن‌ها روی پیوستار مطلوبیت در سطح نسبتاً مطلوب ارزیابی می‌شود. همچنین، نتایج تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که ویژگی‌های توفیق‌طلبی، ریسک‌پذیری و کنترل درونی در زنان کارآفرین با میانگین‌های ۳/۸۹، ۳/۶۷ و ۳/۷۸ و بین مردان کارآفرین با میانگین‌های ۳/۸۶، ۳/۷۶ و ۳/۸۱ همگی در سطح مطلوب ارزیابی شده‌اند. استقلال‌طلبی و خلاقیت زنان کارآفرین با میانگین‌های ۲/۹۵ و ۳/۱۳ و نیز خلاقیت و تحمل ابهام در مردان با میانگین‌های ۳/۰۸ و ۲/۵۲ در سطح نسبتاً مطلوبی قرار دارد. اما نتایج تحلیل‌ها نشان می‌دهد که میزان استقلال‌طلبی مردان با میانگین ۲/۳۲ و میزان تحمل ابهام زنان با میانگین ۲/۳۱ در سطح نامطلوبی ارزیابی شده است.

سؤال دوم پژوهش: وضعیت ویژگی‌های شناختی- مهارتی زنان و مردان مؤسس دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران چگونه است؟

برای بررسی وضعیت ویژگی‌های شناختی- مهارتی کارآفرینی (فنی، تأمین مالی، بازاریابی، اجتماعی و مدیریتی) نیز، مانند مورد قبل، ابتدا از شاخصه‌های آمار توصیفی و برای قضاوت در مورد سطح مطلوبیت ویژگی‌های کارآفرینانه و مؤلفه‌های آن نیز از پیوستار سه‌درجه‌ای مطلوبیت (نامطلوب، نسبتاً مطلوب و مطلوب) استفاده شده است.

جدول ۳ میانگین، انحراف استاندارد و سطح مطلوبیت میزان ویژگی‌های شناختی- مهارتی کارآفرینان را بین مؤسسان زن و مرد دبیرستان‌های غیردولتی آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۴ نشان می‌دهد. همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، مقدار میانگین محاسبه‌شده برای ویژگی‌های شناختی- مهارتی در زنان کارآفرین ۳/۴۱ و در مردان کارآفرین ۳/۳۹ است که در هر دو مورد روی پیوستار مطلوبیت در سطح نسبتاً مطلوب قرار دارند.

جدول ۳. آمار توصیفی مربوط به میزان ویژگی‌های شناختی- مهارتی و سطح مطلوبیت آن‌ها در مؤسسان دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران

شاخص آماری متغیر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای استاندارد	ویژگی‌های شناختی- مهارتی	
						نسبتاً مطلوب	نسبتاً مطلوب
فنی	زن	۹۰	۳/۵۷	۰/۴۵	نسبتاً مطلوب	نسبتاً مطلوب	
	مرد	۱۲۳	۳/۶۱۱	۰/۸۴۳	نسبتاً مطلوب	نسبتاً مطلوب	
تأمین مالی	زن	۹۰	۳/۶۵۵	۰/۷۶۵	نسبتاً مطلوب	نسبتاً مطلوب	
	مرد	۱۲۳	۳/۶۶۶	۰/۶۵	مطلوب	مطلوب	
بازاریابی	زن	۹۰	۲/۳۸۱	۰/۷۳۸۹	نسبتاً مطلوب	نسبتاً مطلوب	
	مرد	۱۲۲	۲/۳۳۲	۰/۴۴۲۵	نسبتاً مطلوب	نسبتاً مطلوب	
اجتماعی	زن	۸۹	۴/۱۳۲	۰/۵۳۲	مطلوب	مطلوب	
	مرد	۱۲۱	۳/۸۲۱	۰/۵۷۴	مطلوب	مطلوب	
مدیریتی	زن	۹۰	۳/۳۲۱	۰/۸۲۴	نسبتاً مطلوب	نسبتاً مطلوب	
	مرد	۱۲۱	۳/۵۲۱۶	۰/۶۱۹	نسبتاً مطلوب	نسبتاً مطلوب	

همچنین، نتایج تجزیه و تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که ویژگی‌های تأمین مالی و اجتماعی در مردان کارآفرین با میانگین ۳/۶۷ و ۳/۸۲ و ویژگی اجتماعی در زنان کارآفرین با میانگین ۴/۱۳ در سطح مطلوب ارزیابی شده‌اند. ویژگی‌های فنی، تأمین مالی، بازاریابی و مدیریتی در زنان به ترتیب با میانگین‌های ۳/۵۷، ۳/۶۵، ۲/۳۸ و ۳/۳۲ و ویژگی‌های فنی، بازاریابی و مدیریتی در مردان کارآفرین با میانگین‌های ۳/۶۱، ۲/۳۳ و ۳/۵۲ در سطح نسبتاً

مطلوبی قرار دارد. بر مبنای تحلیل‌های انجام‌شده، هیچ‌یک از ویژگی‌های شناختی-مهارتی کارآفرینان در سطح نامطلوبی قرار ندارد، بلکه تعدادی از آن‌ها، که وضعیت نسبتاً مطلوبی دارند، نیازمند تقویت و ارتقا هستند.

سؤال سوم پژوهش: آیا بین ویژگی‌های کارآفرینانه (شخصیتی و شناختی-مهارتی) زنان و مردان مؤسس دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران تفاوت جود دارد؟
به منظور مقایسه وضعیت ویژگی‌های کارآفرینانه زنان و مردان ابتدا از شاخصه‌های آمار توصیفی و سپس از نتایج آزمون T برای مقایسه دو گروه مستقل استفاده شده است. جدول ۴ آمار توصیفی شامل تعداد، میانگین، انحراف استاندارد و سطح مطلوبیت نمره‌های مجموع ویژگی‌های کارآفرینانه را در دو گروه زنان و مردان مؤسس دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران نشان می‌دهد.

جدول ۴. میانگین و سطح مطلوبیت ویژگی‌های کارآفرینانه مؤسسان زن و مرد دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران

شاخص آماری متغیر جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	سطح مطلوبیت	ویژگی‌های کارآفرینانه	
					زن	مرد
	۸۸	۳/۳۴۴	۰/۴۵۷	نسبتاً مطلوب		
	۱۲۰	۳/۳۰۳	۰/۴۳۶	نسبتاً مطلوب		

میانگین نمره‌های ویژگی‌های کارآفرینانه در دو جامعه زنان و مردان با همدیگر تفاوت اندکی دارد. زنان کارآفرین در مجموع توانسته‌اند از نظر ویژگی‌های کارآفرینانه (شخصیتی و شناختی-مهارتی) نمره‌های بهتری نسبت به مردان کسب کنند. برای آزمون معناداری این مقدار تفاوت در بین زنان و مردان از آزمون آماری T مستقل استفاده شده است. در جدول ۵، نتایج خروجی‌های حاصل از اجرای آزمون T مستقل آورده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون آماری t-test برای مقایسه ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های شناختی-مهارتی مؤسسان زن و مرد دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران

t-test برای مقایسه میانگین‌ها					آزمون آماری متغیر
مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری (دودامنه)	تفاوت میانگین‌ها	خطای استاندارد	
۱/۴۲۴	۲۰۷	۰/۳۹۶۵	۰/۰۴۱	۱/۶۳۹	ویژگی‌های کارآفرینانه
۱/۷۴۴	۲۰۷	۰/۲۶۷	۰/۰۶۳	۱/۱۲۴	ویژگی‌های شخصیتی
۱/۲۱۵	۲۰۹	۰/۵۲۶	۰/۰۲	۱/۳۴۱	ویژگی‌های شناختی-مهارتی

مقادیر T به‌دست‌آمده برای ویژگی‌های کارآفرینانه در سطح آلفای ۰/۰۵ (دودامنه) از مقدار T جدول (۱/۹۶) کوچک‌تر است. همچنین، سطح معناداری (sig.) به‌دست‌آمده برای متغیرهای

مذکور نیز از سطح آلفای ۰/۰۵ کمتر است. با توجه به این نتایج می‌توان نتیجه گرفت که بین زنان و مردان مؤسس دبیرستان‌های غیردولتی شهر تهران از نظر میزان داشتن ویژگی‌های کارآفرینانه تفاوت معناداری وجود ندارد. نتایج جدول ۵ همچنین نشان می‌دهد که از نظر هریک از ویژگی‌های شخصیتی و شناختی-مهارتی به‌طور جداگانه نیز تفاوت معناداری بین زنان و مردان کارآفرین وجود ندارد. این نتایج نشان می‌دهد که برخلاف تصور رایج، زنان جامعه حداقل به اندازه مردان از توانمندی‌های ذاتی و اکتسابی لازم برای کارآفرینی آموزشی برخوردارند. به عبارتی، زنان و مردان کارآفرین در انجام دادن کار خود به صورت متفاوتی عمل کرده‌اند و هر دو از نظر ویژگی در یک سطح بوده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

در جهان پرشتاب و سرشار از تحول و رقابت امروز، آنچه موجبات تحقق مزیت رقابتی سازمان‌ها را تضمین می‌کند، نیروی انسانی باکیفیت، خلاق و پویاست. از این‌روست که در عصر حاضر منابع انسانی بنای اصلی فرایند افزایش کارایی و اثربخشی و کلید طلایی رقابت قلمداد شده است. مدارس نیز باید بتوانند با تکیه بر منابع انسانی خود همواره در جهت ارتقای بهره‌وری خویش تغییر کنند. در مدارس عمومی، به دلیل اینکه آموزش و پرورش متمرکز است، امکان چنین تغییراتی وجود ندارد. ولی مدارس خصوصی و غیردولتی می‌توانند، فارغ از بوروکراسی‌های دولتی، نوآوری‌هایی جهت بهبود کارایی و اثربخشی خود به کار بندند. در این بین، نقش مؤسسان مدارس به‌منزله کارآفرینان آموزشی بسیار حائز اهمیت است. آن‌ها می‌توانند با نوآوری خود، از امکانات موجود به نحو احسن استفاده کنند و باعث بهبود یادگیری دانش‌آموزان شوند.

بحث کارآفرینی در حوزه آموزش به‌تازگی مطرح شده است. علت توجه به کارآفرینی در حوزه آموزش نیاز امروز جوامع برای سازگارشدن با تغییرات تکنولوژی است. اکنون که نقش مؤثر کارآفرینان در رشد و توسعه کشورها مورد اتفاق نظر است، تلاش‌های وافر صورت می‌گیرد تا کارآفرینان بالقوه را شناسایی و با آموزش و حمایت‌های لازم آن‌ها را به کارآفرینان بالفعل تبدیل کنند. به‌رغم اهمیت این موضوع، در جامعه دانشگاهی ما بحث کارآفرینی آموزشی مورد توجه جدی قرار نگرفته و پژوهش‌های اندکی در زمینه بررسی و سنجش ویژگی‌های کارآفرینان صورت گرفته است.

نتایج این پژوهش نشان داد که مؤسسان زن و مرد دبیرستان‌های شهر تهران به میزان نسبتاً مطلوبی از ویژگی‌های شخصیتی و شناختی-مهارتی مورد نیاز برای کارآفرینی برخوردارند. این نتایج با پژوهش آراستی و همکاران (۱۳۹۲)، محمدی و همکاران (۱۳۹۰) و ویژگی‌های شخصیتی زنان با تمایل به کارآفرینی هماهنگی دارد. از طرف دیگر، تفاوتی بین زنان و مردان در میزان برخورداری از ویژگی‌های کارآفرینانه مشاهده نمی‌شود. این نتایج نشان

می‌دهد که برخلاف تصور رایج، زنان جامعه حداقل به اندازه مردان توانمندی‌های ذاتی و اکتسابی لازم را برای کارآفرینی آموزشی دارند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زنان مؤسس دبیرستان‌های غیردولتی نسبت به مردان ابهام کمی را می‌توانند تحمل کنند. این بدان معناست که زنان تمایل زیادی به شناسایی و کنترل موقعیت‌های نامشخص دارند؛ یعنی باید موقعیت‌ها برای آن‌ها مشخص باشد تا در آن درگیر شوند و اگر موقعیت‌ها نامشخص بود، از آن اجتناب می‌کنند؛ چون قدرت ریسک‌پذیری آن‌ها محدود است. همچنین، فعالیت‌هایی را که نتایج و پیامدهای آن ناشناخته است ترجیح نمی‌دهند. از طرف دیگر، مردان نسبت به زنان استقلال طلبی بیشتری دارند؛ یعنی اینکه در انجام دادن فعالیت‌ها و اقداماتشان به میزان کمتری از کمک دیگران استفاده می‌کنند. بررسی سؤال اول نشان داد استقلال طلبی و ریسک‌پذیری و تحمل ابهام و کنترل درونی بین زنان و مردان درجه مطلوبیت نسبتاً مطلوبی دارد. این نتایج با نتایج به دست آمده از تحقیقات نلق (۲۰۱۳) هماهنگ است.

در بخش ویژگی‌های شناختی-مهارتی نیز وضعیت مهارت بازاریابی در دو گروه زنان و مردان ضعیف‌تر ارزیابی شده است. این امر نشان می‌دهد که کارآفرینان آموزشی ما فاقد رویه‌ها و ضوابط برقراری ارتباط مؤثر با متقاضیان هستند و از تمایلات آموزشی مشتریان آگاهی کافی ندارند.

در مورد برخی دیگر از قابلیت‌های مهارتی مؤسسان آموزشی همچون مهارت‌های مدیریتی و فنی نیز باید تلاش‌هایی برای تقویت آن‌ها صورت گیرد. از جمله اینکه کارآفرینان آموزشی با فناوری‌های جدید آموزشی بیشتر آشنا شوند، از روندها و نیازهای جدید آموزشی اطلاع بیشتری حاصل کنند و مهارت‌های چندگانه مدیریتی را نیز بیاموزند.

پیشنهادها

در این پژوهش، دو دسته عوامل شخصیتی و شناختی-مهارتی مطالعه و بررسی شد. نظام آموزش عالی و دانشگاه‌ها می‌توانند از طریق ارائه آموزش‌های دانشگاهی به روشی کارآفرینانه (روش غیرمستقیم) و نیز آموزش مهارت‌های کارآفرینی (روش مستقیم) در جهت ارتقای این ویژگی‌های کارآفرینانه تلاش کنند. پیشنهاد می‌شود در رشته‌های دانشگاهی مرتبط با علوم تربیتی برای آشنایی دانشجویان با مهارت‌های کارآفرینی واحدهای درسی خاصی در نظر گرفته شود که از سوی متخصصان کارآفرینی و کارآفرینان آموزشی تدریس شود. آشنایی با قوانین و مقررات ثبت مؤسسات آموزشی، شناخت سازوکارهای تأمین و تخصیص منابع، آشنایی با هزینه‌ها و ریسک احتمالی کارآفرینی آموزشی، آگاهی از روش تدوین طرح کسب‌وکار و آشنایی با فناوری‌های جدید آموزشی می‌تواند از مواد درسی در کلاس‌های دانشگاهی و کارگاه‌های آموزشی مرتبط با کارآفرینی آموزشی باشد.

ویژگی‌های مرتبط با کارآفرینی، و به‌ویژه کارآفرینی آموزشی، بسیار زیاد و متنوع‌اند. پیشنهاد می‌شود علاوه بر ویژگی‌هایی که در این پژوهش مطالعه شده، قابلیت‌های دیگری نیز

شناسایی و بررسی شود. همچنین، برخی از ویژگی‌های کارآفرینان، که در این پژوهش وضع مطلوبیت کمتری داشتند، نیازمند مطالعه بیشتری هستند. می‌توان علل و عوامل مؤثر بر آن‌ها را شناسایی و بررسی کرد.

در حوزه کارآفرینی آموزشی، به‌خصوص برای زنان مؤسس در این زمینه، کلاس‌ها و کارگاه‌های مرتبط با مهارت‌های مدیریتی و فنی برگزار شود و مهارت‌های فناوری، به‌ویژه تحمل ابهام از ویژگی‌های شخصیتی برای زنان جهت بهبود کارایی در زمینه کارآفرینی آموزشی ارتقا یابد. با انجام دادن پژوهش‌هایی بیشتر و گسترده‌تر، می‌توان مدلی جامع و بومی به منظور سنجش قابلیت‌های کارآفرینی در نظام آموزشی ایران ارائه کرد.

منابع

- [۱] احمد پورداریانی، محمود (۱۳۸۶). کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها، تهران: پردیس.
- [۲] آراستی، زهرا؛ کنعانی، احمد؛ سیدقاسمی، نفیسه‌سادات (۱۳۹۲). «انگیزه‌های کارآفرینی زنان و مردان در بخش صنعت شباهت‌ها و تفاوت‌ها»، نشریه زن در توسعه و سیاست، ش ۱، ص ۸۳-۱۰۰.
- [۳] بنیاد توسعه کارآفرینی زنان و جوانان (۱۳۸۹). موانع پیشرفت زنان کارآفرین. www.foundationed.net
- [۴] سرایی، حسن (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، تهران: سمت.
- [۵] سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ حجازی، الهه (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: آگه.
- [۶] شکراللهی، رقیه (۱۳۸۹). «بررسی تطبیقی ویژگی‌های کارآفرینی مدیران مدارس ابتدایی شهر تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه تهران: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.
- [۷] شاه‌حسینی، علی (۱۳۸۳). کارآفرینی، تهران: آبیژ.
- [۸] قرونه، داود (۱۳۹۰). «فرهنگ کارآفرینی در سازمان‌های دولتی»، نخستین کنفرانس دانشجویی کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران، ۱۹ و ۲۰ مهرماه.
- [۹] محمدی، حمیدرضا، احمدی، عبادالله و دیگران (۱۳۹۰). «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی با تمایل به کارآفرینی»، فصل‌نامه جامعه‌شناسی زنان، ۱، ص ۹۹-۱۱۹.
- [۱۰] هزارجریبی، جعفر؛ ابراهیمی، مریم (۱۳۸۹). «بررسی و مقایسه رابطه بین ویژگی‌های کارآفرینی شاغلان سازمانی (زن و مرد) و رضایت شغلی»، فصل‌نامه جامعه‌شناسی کاربردی، ۴۰، ص ۱۸۱-۱۸۰.
- [11] Brush, C. D. (2005). "Research on women business owner past trends, a new perspective, and future directions". *Entrepreneurship Theory and Practice*, Vol.17, No.3, pp 30-50.
- [12] Davidsson, P. and Honig, B. (2010). "The role of social and human capital among nascent entrepreneurs". *Journal of Business Venturing*, Vol.18, No.3, pp 301-331.

- [13] Eyal, O. and Inbar, D. (2008). "Developing a public school entrepreneurship inventory; Theoretical conceptualization and empirical examination". *International Journal of Entrepreneurial Behavior and Research*. Vol.9, No.6, pp 221-244.
- [14] Falcone, T. and Osborne, S. (2011). *Entrepreneurship: A diverse concept in a diverse world*. Tuscon, AZ: United States Association for Small Business and Entrepreneurship, Small Business Institute.
- [15] GEM. (2006). *Global Entrepreneurship Monitor Executive Report*. Babson college, Babson Park, USA/ LBS, London, UK.
- [16] Hess, F. M. and Hassel B, C. (2009). *Fueling entrepreneurship: Addressing the human capital challenge*. Program on Education Policy and Governance. Harvard University.
- [17] Hockner, E. and Hisrich R, D. (2005). "Editorial: a golden era for entrepreneurship and entrepreneurial finance research". *Venture capital: An international journal of Entrepreneurial Finance*, Vol.3, No.2, pp 85-89.
- [18] Lengh, R.(2013). *A comparative study of the entrepreneurial characteristics and orientation of K-8 public, charter, and for-profit schools*. Cardinal Stritch University.
- [19] Lewin, H. (2009). *Why is education entrepreneurship so difficult?* AEI Conference on Educational Entrepreneurship.
- [20] Mattis, M. (2007). "Women entrepreneurs: out from under the glass ceiling". *Management Review*, Vol.19, No.3, pp 154-163.
- [21] Miskin, V. and Rose, J. (2002). *Women entrepreneurs: factor related to success in Frontiers of Entrepreneurship Research*. Cambridge MA, Babson College, pp 38.
- [22] National Governors Association (2004). *A governor's guide to strengthening state entrepreneurship policy*. Washington D C: NGA Center for Best Practices.
- [23] Pines, A. M. (2006). "The female entrepreneur: burnout treated using a psychodynamic existential approach". *Clinical Case Studies*, Vol.1, No.2, pp 171-81.
- [24] Reaves, B. (2009). *Entrepreneurial success: A phenomenological study of the characteristics of successful female entrepreneurs*. University of phoenix.
- [25] Smith, K. and Petersen, J. L. (2014). "What is educational entrepreneurship?" in Hess, F.M. (Ed.), *Educational Entrepreneurship: Realities, Challenges, Possibilities*. Cambridge: Harvard Education Press.